

جنبش کارگری نیازمند ترحم نیست!

بهزاد سهرابی

یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۷

وظائف ما!

بعد از بحث در مورد نهادهای ضد کارگری و بطور مشخص، سولیداریتی سنتر، ما شاهد بر خورد های هیستریک و "ماکیاولیستی" از یک طرف، و از طرفی دیگر، شاهد بر خورد های خیر خواهانه و کاملاً اخلاقی به این مسئله بودیم. هر شخص و هر جریان خاصی بر اساس منافع و حضور و باور خود به جنبش کارگری و استراتژی متناظر با آن، مباحثی را در این زمینه مطرح نموده اند.

اشخاصی معلوم الحال، با شهادتی قابل تحسین!، نه تنها تلاش "سولیداریتی سنتر" برای نفوذ در درون جنبش کارگری ایران را خطری برای این جنبش قلمداد نمی‌کنند، بلکه با تطهیر و ساختن ساحت مقدس از آن و توضیحات به ظاهر عقلانی همراه با تخطئه و تخریب، بر آنند تا با ساده انگاری این واقعیت را در هاله‌ای از ابهام مستتر نمایند و این چنین مراکزی را نه تنها مضر و ضد کارگری ندانسته، بلکه موضع گیری صریح در قبال این پدیده و افشای ماهیت واقعی آن را اتهام پلیسی قلمداد کنند. "جل الخالق! از این همه هوش، ذکاوت و سخاوت". البته بیان این چنین دیدگاه های انحرافی و اپورتونیستی، اندیشه ای نو و غریبی در جنبش کارگری نبوده و نیست. بارها در طول مبارزات طبقاتی، ما شاهد چنین دیدگاهانی بوده ایم و حضور چنین نظرات انحرافی‌ای در جنبش کارگری، به قدمت خود مبارزه طبقاتی وجود داشته و از دیگر سو، نشان از استراتژی آنان دارد؛ چرا که حمایت ضمنی اینان از جنبش کارگری نه در باور آنها به مبارزه طبقاتی و رهائی کارگران به نیروی خود و حاکمیت شورائی کارگران، بلکه از زاویه منافع خاص و قیم مابانه در راستای اهدافی غیر از منافع طبقاتی کارگران دنبال می‌شود. این افراد، در بیان نظرات حقیر و منفعت طلبانه خود، مرز شهادت و شجاعت را در نور دیده و بی باکانه فعالینی که در دل مبارزات جنبش کارگری آبدیده و از کوران این مبارزه آشتی ناپذیر سر برون آورده اند را، به باد تهمت گرفته و با بیان مهملات و خزعلات، گاه مبتدل و گاه در لفافه مباحث فلسفی، بر علیه فعالین کارگری دست به افتراء و شانناز می‌زنند و بر آنند که چهره‌ای محبوب و کارگری به نهاد "سولیداریتی سنتر" و عوامل آنها بدهند. این طیف، باهر نام و نشانی و با هر آرم و حزبی و با هر تعریف غیر واقعی‌ای، که از خود نشان میدهند، با انگ و ننگ به فعالین جنبش کارگری ایران می‌تازند، تا چند صباحی وارد کارزار مجازی اینترنتی شده و در خود ارضائی خویش گام بر دارند. بی شک اینان " خود شیفته - گانی - هستند که نارسیس وار به دلیل شیفتگی مفرط، خود را غرق خواهند کرد. لاجرم، بحث و پلمیک با اینان کار بیهوده‌ای است، از آنجا که خود نیز واقفند که در بین فعالین کارگری و جنبش کارگری، صاحب نفوذ نبوده و تنها دست به جار و جنجال تبلیغاتی و هوچی گری می‌زنند و ناخواسته، نهایتاً

نقاب های به صورت کشیده خویش را پائین می کشند. اینان خواسته یا ناخواسته در بهترین و سخاوتمندانه ترین داوری، می توانند در حد " موئی در داخل غذا" آزار دهنده باشند.

اما از طرفی دیگر دوستانی هستند که موضوع را احساسی، عاطفی و اخلاقی مورد ارزیابی قرار داده و از زاویه خیر خواهانه به بررسی این مهم پرداخته اند که جای تامل دارد.

دوستان ؛ مبارزه طبقاتی پرولتاریا با بورژوازی از دیر باز به تناسب قوای خود و با توجه به وسعت اعتراضات کارگری، همیشه مورد خشم حامیان سرمایه قرار گرفته و بیرحمانه سرکوب شده است. در هیچ زمانی سرمایه با نظر لطف و محبت و نوازش ما را در آغوش نگرفته و چنین انتظاری از دشمنان طبقاتی، خواستی به غایت انحرافی و غیر واقعی می باشد. چرا که؛ نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل ایجاد تشکل کارگری دادگاهی می شوند، حکم ضربات شلاق بر بدن شیوا خیر آبادی و سوسن رازانی از فعالین کارگری به اجرا گذاشته می شود، نمایندگان کارگران شرکت واحد در بازداشت به سر می برند، دیگر فعالین را دستگیر می کنند، دستمزد های زیر خط فقر را قانونی و دسته دسته کارگران واحد های تولیدی را اخراج، و بی حقوقی مطلق و غیر انسانی هر روز فزونی یافته و فقر و فلاکت بی رویه، سایه شوم خود را بر زندگی ما کارگران بیشتر از گذشته گسترانیده و می رود تا به تمامی عرصه های مختلف زندگی ما را تحت الشعاع خود قرار دهد .

پس اگر بورژوازی در دفاع از منافع خود این چنین با جنبش کارگری و فعالین این جنبش برخوردی سرکوب گرانه دارد، باید مدافعین این جنبش و دلسوزان و حامیان آن، که باور به مبارزه طبقاتی و حاکمیت شورائی کارگری دارند، با دیدی واقعی و عینی و بر اساس موجودیت سطح مبارزه این طبقه، دست به قلم برده و با تجزیه و تحلیل عینی از آنچه که جریان دارد رو به جنبش مباحث خود را مطرح کنند و از برخورد اخلاقی و گاه آسود نگرانه و غیر طبقاتی به دور باشند.

متأسفانه در گفتار و نوشتار بعضی از دوستان، مشاهده می شود که آنچنان باور به آگاهی طبقاتی در میان کارگران را نمایان و برجسته می کنند که گویا کلیت طبقه کارگر با دید و آگاهی طبقاتی به تجزیه و تحلیل مسائل پرداخته و آنچنان القاء میکنند که کارگران، با تیزبینی خاص خود به تمامی زوایای تاریک مبارزاتی آشنا هستند و دردم، توطئه چینی های این گونه مراکز و چهره های ضد کارگری که با نقاب و ماسک کارگری خود را به جنبش معرفی میکنند شناسائی و آنها را رسوا می نمایند!.

واقعیت این است که جنبش کارگری در ابتدائی ترین مسیر تکاملی خود با توجه به تضاد کار و سرمایه ، که کاملاً طبیعی و واقعی است، مبارزه خود را به پیش می برد. طبقه کارگر در کلیت خود از زمینه آگاهی طبقاتی به مفهوم واقعی و وسیع کلمه هنوز بر خوردار نیست. اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که طبقه کارگر در شرایطی خاص ، می تواند مجربتر، رزمنده تر و آگاهتر در راستای منافع طبقاتی گام بردارند، که میتوان حضور کارگران در شورا های کارگری در سال ۵۷ را یاد آور شد. اما اگر واقع بینانه این جنبش و حرکات اعتراضی آن مورد نقد و بررسی قرار ندهیم، بی شک در ادامه مبارزه طبقاتی دچار سر در گمی خواهیم شد. باید باور داشت که مبارزه روزانه و بی امان کارگران در مقابل تهاجم افسار گسیخته سرمایه داری هر روز ادامه دارد و کارگران در دفاع از ابتدائی ترین خواست خود، وارد کارزار طبقاتی شده و هر روزه دامنه این اعتراضات گسترده تر می شود. اما اگر

اندیشه اینست، که کلیت این طبقه در این مبارزه نقش آفرین هستند، تصویری غلط و خود فریبی ای بیش نیست. باید باور داشت که فعالین این جنبش، که با خود جنبش کارگری عجین شده اند، با کار مستمر و پیگیر و با حضور خود کارگران و با توجه به ادامه مبارزات در دستیابی به خواست های آنی و در نهایت افق طبقاتی و با توجه به شرایط موجود، همگام با کارگران دست به کار آگاه گرانه زده و هر روز سعی بر آن است که در دل این مبارزه عینی بر اساس مباحث واقعی و طبقاتی کارگران پای فشارند. بیشک آگاهی واقعی و سوسیالیستی تنها در پروسه مبارزه ای روزانه، مداوم، طولانی و طبقاتی خود را نشان میدهد، چرا که آگاهی خارج از چهارچوب مبارزه با سرمایه داری نه تنها غیر واقعی می باشد، بلکه اساس کار مادیت یافته را زیر سوال می برد. چرا که باور داریم تنها با حضور واقعی این طبقه در عرصه های مختلف مبارزاتی است که روند رو به رشد جنبش را حاصل و منجر به آگاهی کارگران خواهد شد. مبارزه طبقاتی نیاز مند آن است که از تمامی زوایا، مورد ارزیابی قرار گیرد و در ارزیابی جنبش کارگری باید کلیت این طبقه، و نه یک جز از آن را، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. فعالین و پیشروان جنبش کارگری در کوران این مبارزه آبدیده می شوند و باید با پختگی به کلیه مسائل پرداخته و بر اساس منافع طبقاتی، مسائل را نقد و بررسی کرده و بر علیه تمامی سنت های خرده بورژوائی که در جنبش کارگری در اشکال مختلف مصالحه و مماشات و غیره خود را به جنبش کارگری تحمیل کرده، مبارزه کرد. جنبش کارگری نیازمند یک درک واقعی و برخورد علمی است. باید با متد و سبک کاری مشخص و با برخورد نظری و همه جانبه، موانع پیش رو را ارزیابی کرد و با اندیشه و تجربه و دستاوردهای تاکنونی، بتواند هم در کار پراتیک شده و هم از نظر تئوری به آنچه که شایسته این طبقه است دست یافت.

پس باید باور داشت که جنبش کارگری نیازمند ترحم نیست، بلکه شایسته همکاری همه جانبه در تمامی عرصه های مختلف مبارزاتی است. باید بی رحمانه با تمامی مظاهر بورژوازی مبارزه کرد و از نفوذ تمامی جریانات ریز و درشت ضد کارگری با هر نام و مسلکی و با هر قد و قواره ای مبارزه کرد. این رسالت طبقاتی کارگران و تمامی فعالین، پیشروان و دلسوزان طبقه کارگر است. اگر امروز کسانی به خاطر منافع سودنگرانه خود اینچنین واقعیات موجود جنبش کارگری را تحریف می کنند انتظاری نیست. اما بی شک تمامی فعالین و پیشروان کارگری در مقابل جنبش کارگری مسئولیتی بس سنگین و سترگ بعهده دارند. آخر اینکه، در هر زمان که رد پای مدافعان و اعوان و انصار سرمایه داری در جنبش کارگری مشاهده شد، باید در دم، با آن برخوردی قاطع و طبقاتی بشود.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران

بهزاد سهرابی - اسفند ۸۷

کمیته همهانگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

www.komitteyehamahangi.com

komite.hamahangi@gmail.com